

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَيُشْهَدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ
 الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَ
 إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۗ فَحَسْبُهُ
 جَهَنَّمُ ۚ وَلَيْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي
 نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ
 ﴿٢٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً ۚ
 وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
 ﴿٢٠٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاذْهَبُوا
 ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا
 أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ
 وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۗ وَاللَّهُ يُرْجِعُ الْأُمُورَ ﴿٢١٠﴾

از میان مردم کسی است که در زندگی دنیا سخنان او [در طرفداری از حق] تو را به تعجب و امید دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد. در حالی که او سخت‌ترین دشمنان است. ﴿۲۰۲﴾

و هر گاه [از نزد تو] بازگردد، در زمین به تکاپو می‌افتد تا در آن تباهی و فساد کند و کشت و نسل بشر را به نابودی کشاند، و خداوند تباهی را دوست نمی‌دارد. ﴿۲۰۵﴾

و چون به او گفته شود: از خدا پروا کن، عزّت و عُجب [خیالی]، او را فرامی‌گیرد [و پند نمی‌گیرد]. دوزخ او را بس است و راستی که بد جایگاهی است. ﴿۲۰۶﴾

و از میان مردم کسی است که برای طلب و به‌دست آوردن رضا و خشنودی خدا جانش را می‌فروشد و خدا به بندگانش رثوف است. ﴿۲۰۷﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در برابر خدا تسلیم شوید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ﴿۲۰۸﴾

پس اگر بعد از آنکه آیات و نشانه‌های آشکار برایتان آمد، دچار لغزش و انحراف شدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است. ﴿۲۰۹﴾

مگر انتظار آنان [کفار و منافقان] غیر این است که خدا و فرشتگان در سایه‌های ابر سفید به سوی آنان بیایند تا کار [داوری] یکسره شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد. ﴿۲۱۰﴾



درس هشتم

جان و جانشین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

امیرالمؤمنین، علی عَلَيْهِ السَّلَام شخصیتی است که همه مسلمانان، ایشان را رهبر و پیشوای خود می‌دانند. شیعیان، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام را امام اول و اولین جانشین بعد از پیامبر می‌دانند و اهل سنت ایشان را خلیفه چهارم خود محسوب می‌نمایند. شناخت این شخصیت بزرگ و سبک زندگی و رهبری ایشان به ما کمک می‌کند تا معیارهای رهبری در جامعه اسلامی را بهتر بشناسیم و در انتخاب مسئولان جامعه خود بهتر عمل کنیم.

پرورش در دامان پیامبر

امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ده سال قبل از بعثت پیامبر در خانه کعبه به دنیا آمد^۱. پدرش ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را «علی» گذاشت. این نام به معنای «والا» و «بلند مرتبه» است. سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و تا چندین سال نزد ایشان زندگی می کرد. خودش درباره این دوران می فرماید:

«درحالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می نهاد... نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد... من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می رود، از آن بزرگوار پیروی می کردم و او هر روز پرچی از خوی های نیکوی خود را برای من می افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می داد...»

در هر سال، در غار حراء، گوشه ای برمی گزید... هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی گمان آنچه را من می شنوم تو هم می شنوی و آنچه را من می بینم تو هم می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی^۲، بلکه وزیر هستی و تو هر آینه بر راه خیر می باشی^۳. شخصیتی که تا ده سالگی به این مرتبه از دانایی و بزرگی رسیده بود، با اعلام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایمان خود به رسول خدا را اعلام کرد و در تمام لحظات سخت دوران مکه در کنار پیامبر بود. آن حضرت در شعب ابی طالب در سه سالی که پیامبر در محاصره اقتصادی بود، به فرمان پدر مسئولیت حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر عهده داشت. از آن پس در تمام صحنه های سخت و پرخطر در مکه و مدینه حضور داشت و با رشادت و شجاعت خود، سبب موفقیت اسلام و عقب نشینی مشرکان و کفار می شد.

خوابیدن در جای پیامبر در هنگام توطئه دشمنان برای کشتن آن حضرت، رشادت و قهرمانی بی نظیر در جنگ بدر، استقامت و فداکاری در جنگ احد با وجود زخم های فراوان و در حالی که جز اندکی از مسلمانان بقیه فرار کرده بودند، انداختن رعب در دل دشمنان و فراری دادن آنان با شکست دادن پهلوان عرب «عمر بن عبدود» در جنگ خندق، فتح قلعه های خیبر و شکستن بت های

۱- ماجرای تولد حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه علاوه بر کتاب های شیعی در کتاب های بزرگان اهل سنت نیز بارها نقل شده است. به عنوان نمونه، می توان به این موارد اشاره کرد: المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۵۵؛ تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۱؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲ ص ۲۷۳.

۲- این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مربوط به روز اول بعثت است، از این کلام درمی یابیم که خداوند آگاه به همه امور، از شایستگی های امام علی علیه السلام نیز خبر دارد و به پیامبر امر فرموده تا ایشان را وزیر خود قرار دهد.

۳- بخشی از خطبه قاصعه.

خانه کعبه در هنگام فتح شهر مکه، تنها بخشی از فداکاری‌های ایشان در راه اسلام بود. آن حضرت در تمام این دوران، گوش به فرمان رسول خدا ﷺ بود و پیامبر اکرم ﷺ ایشان را عزیزتر از فرزند دوست داشت. تا اینکه بالاخره در سال یازدهم هجرت، رسول خدا در حالی که سر بر دامان وی گذاشته بود، جان به جان آفرین تسلیم کرد و یار وفادار خود را تنها گذاشت و این در حالی بود که بارها حضرت علی را به عنوان امیر المؤمنین، برادر، وصی و جانشین به مردم معرفی کرده بود.

امیر المؤمنین علی از دیدگاه پیامبر ﷺ

شخصیت والا و بی‌مانند حضرت علی نتیجه تربیت مستقیم پیامبر اکرم ﷺ بود. رسول خدا ﷺ ایشان را به گونه‌ای تربیت کرده بود که الگو و سرمشق مسلمانان زمان خود و سایر دوران‌ها باشد. از این رو، در هر فرصتی از این شخصیت والا سخن می‌گفت و عشق و محبتش را به وی ابراز می‌کرد.

جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید: در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که علی را آورد شد. رسول خدا ﷺ فرمود: **برادرم به سويتان آمد.** سپس رو به سمت کعبه کرد و دست بر آن گذاشت و فرمود: **«سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد، شیعیان و پیروان او، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند.»**^۱

سپس فرمود: **این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آنها و ارجمندترین شما نزد خداست.**^۲

در همین هنگام، آیه زیر بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد و پیامبر آن را قرائت کرد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ
كسانی که ایمان آوردند
و کارهای شایسته انجام دادند،
اینان بهترین مخلوقات‌اند.^۳

همان‌گونه که مشاهده کردید رسول خدا ﷺ، در سخنان خود از کلمه «شیعه» که ترجمه آن «پیرو» می‌شود، استفاده کرده و پیروی از امام علی را سبب رستگاری دانسته است. بنابراین، شیعه، مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر ﷺ، امیر المؤمنین را جانشین پیامبر می‌داند و از او پیروی می‌کند.

۱- وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَاتَرُونَ. الدر المنثور، سیوطی، ذیل آیه «أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۵، ص ۷۲.

۳- سوره بینه، آیه ۷.

خوب است بدانیم که لفظ شیعه، واژه‌ای است قرآنی. در قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام معرفی شده و درباره ایشان آمده است: «إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ»؛ پس حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جهت که راه حضرت نوح را ادامه داده، شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام است.

در موقعیت‌های دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام علی علیه السلام می‌فرمود:

۱- عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ ۲.

۲- عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ ۳

تفکر در حدیث

در این دو حدیث بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- حدیث دوم به کدام یک از ویژگی‌های حضرت علی علیه السلام اشاره دارد؟ چرا؟

الف) عدالت ب) عصمت ج) علم

۲- میان حدیث اول و حدیث ثقلین چه رابطه‌ای وجود دارد؟

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بیان جایگاه علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «دروغ می‌گوید کسی که می‌پندارد مرا دوست دارد، در حالی که دشمنی و کینه تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو ... کسی به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری گزیند. مثل تو و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛ هرکس بر آن سوار شود، نجات یابد و هرکس سرپیچی کند، هلاک شود، مثل شما مثل ستارگان آسمان است که چون ستاره‌ای غایب شود، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند تا روز قیامت».^۴

پاسخ سؤالات شما

برخی می‌پرسند چرا با وجود همه تلاش‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی امیر مؤمنان علی علیه السلام و بیان فضائل ایشان در زمان‌ها و مکان‌های متعدد داشت، اما پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بسیاری از مردم، به خصوص رؤسای قبایل و بزرگان قوم کمتر به این حقیقت توجه کردند؟

۱- سوره صافات، آیه ۸۳.

۲- امالی، طوسی، ج ۲۸، ۱، حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳- امالی، صدوق، ص ۸۹، حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴- غایة المرام، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از شیخ صدوق.

پاسخ آنکه: یکی از علت‌های این بی‌توجهی، افکار و اندیشه‌های باقی‌مانده از دوران جاهلیت قبل از اسلام بود که به این آسانی از ذهن و فکر مردم خارج نمی‌شد. در جاهلیت، بزرگان قبایل بدون آنکه دارای فضیلت خاصی باشند، صرفاً به این دلیل که رئیس قوم بودند، از بزرگی و شرافت برخوردار بودند و فضیلت‌هایی مانند علم، عدالت‌خواهی، جوانمردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس، ارزش و جایگاهی نداشت. آنان حتی میان فرمان و دستور پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان خدا و پیامبر، به سوی فرمان بزرگان قوم خود متمایل می‌شدند. از این‌رو، رسول خدا ﷺ پیوسته فضایل امام علی علیه السلام را به آن مردم یادآوری می‌کرد تا شاید بزرگان قبایل و افراد هر قبیله به جای ارزش‌های جاهلی به رفتار و کردار امیر مؤمنان بیشتر توجه کنند و به مقابله با ایشان برنخیزند.

ویژگی‌های امیر مؤمنان علیه السلام

بزرگان علم و دانش، از مسلمان و غیرمسلمان، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام با شگفتی مشاهده کرده‌اند که فضایی در آن امام است که به سختی در یک فرد جمع می‌شود. آن امام در میدان جنگ، شجاع‌ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضاوت، دقیق‌ترین؛ در کلاس درس، عالم‌ترین؛ در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ‌ترین؛ و در عرصه حکمرانی، عادل‌ترین است.^۱

بیشتر بدانیم

ابن ابی الحدید^۲ در هنگام شرح «نامه امام علی علیه السلام به عبدالله بن عباس»، چنان از عظمت روح امیرالمؤمنین علی علیه السلام دچار شگفتی می‌شود که می‌گوید:

«سبحان الله! جوانی از عرب در شهری مانند مکه بزرگ می‌شود، با هیچ حکیمی برخورد نکرده است، اما سخنانش در حکمت نظری (فلسفه) بالادست افلاطون و ارسطو قرار گرفته است، با اهل حکمت عملی (علم اخلاق و سیاست) معاشرت نکرده، اما از سقراط بالاتر رفته است. دوره آموزشی جنگ و دلاوری ندیده، اما شجاع‌ترین بشری از کار درآمد که بر روی زمین راه رفته است...»^۳.

«میخائیل نعیمه» نویسنده مسیحی معاصر لبنانی در مقدمه‌ای بر کتاب «امام علی» تألیف

۱- جاذبه و دافعه علی علیه السلام، استاد مطهری، ص ۱۰ از مقدمه.

۲- وی یکی از شارحان نهج البلاغه است که شرح او امروزه در بیست جلد چاپ شده است. وی در قرن هفتم می‌زیست. اهل سرزمین مدائن و شافعی مذهب بود.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ذیل نامه ۳۵ (نامه به ابن عباس درباره فاجعه مصر).

جرج جرداق چنین اظهار داشته است :

«علی، تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا قهرمان بود : در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی، حرارت ایمان، آرامش شکوهمند، یاری مظلومان، تسلیم بودن در برابر حقیقت در هر نقطه و هر جا؛ او در همه این میدان‌ها قهرمان بود»^۱.

در میان فضیلت‌های مختلف آن بزرگوار، در این درس به دو فضیلت ایشان می‌پردازیم :

۱- علم بی‌کران

همان‌طور که گفتیم، یکی از ابعاد شگفت‌انگیز شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام، علم و معرفت وی بود. ایشان در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخلاق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان، سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است.

کتاب «نهج البلاغه»^۲ که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است. دانشمندان بزرگ جهان اسلام از زمان تدوین این کتاب تاکنون، در موضوعاتی که ذکر شد، همواره از این کتاب بهره‌مند شده‌اند.

برخی دیگر از دانشمندان هم برای استفاده بیشتر مردم از این کتاب، بر آن شرح‌ها نوشته‌اند تا مردم به نکات دقیق و عمیق این کتاب بیشتر پی ببرند.^۳

ابن ابی‌الحدید که از دانشمندان بزرگ اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید : «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند ...»^۴.

وی در شرحی که بر خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه نوشته است، می‌گوید : «قسم می‌خورم به کسی که همه امت‌ها به او قسم خورده‌اند، که پنجاه سال است این خطبه را مطالعه می‌کنم و در این پنجاه سال، بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام، و تاکنون هیچ بار آن را نخوانده‌ام مگر آنکه در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چقدر خطبا و موعظه‌کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبه خوانده‌اند؛ و من چقدر خطبه‌های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده‌ام! اما تاکنون هیچ کدام از آنها

۱- امام علی علیه السلام، جرج جرداق، مقدمه میخائیل نعیمه.

۲- نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری، مدوّن شد. وی کتاب‌های حدیثی و تاریخی زمان خود را که سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در آنها بود، گرد آورد و گزیده‌ای از سخنان را در یک کتاب قرار داد و آن را «نهج البلاغه» نامید. سایر سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام که حجمی بیش از نهج البلاغه دارد و در سایر کتاب‌های تاریخی و حدیثی موجود بوده، در سال‌های اخیر در مجموعه‌ای به نام «موسوعه امیرالمؤمنین» گرد آمده و در اختیار پژوهندگان قرار گرفته است.

۳- در میان شرح‌های فارسی، می‌توان شرح استاد محمدتقی جعفری و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی را نام برد.

۴- مقدمه شرح ابن ابی‌الحدید بر نهج البلاغه.

تأثیر این خطبه را در جان من ایجاد نکرده است...»^۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام جز نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین باره فرمود:

مِن شَهْرِ عِلْمٍ هَسْتُمْ	أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ
وَعَلَىٰ دَرِّ أَنْ اسْت.	وَ عَلَيَّ بِأُهَا
هَر كَس مِي خَوَاهَد بَه اَيْن عِلْم بَرَسَد،	فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ
بَايَد اَز دَرِّ أَنْ وَاوَرَد شَوَد. ^۲	فَلْيَأْتِهَا مِن بَايَهَا

تفکر در حدیث

این حدیث شریف، در بردارندهٔ پیام‌های متعددی است. با تفکر در آن، سه پیام آن را به دست آورید:

- ۱-
- ۲-
- ۳-

همچنین امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمود: «هرگاه از پیامبر سؤال می‌کردم، پاسخم را می‌داد و اگر در حضورش سکوت می‌کردم، ایشان پیشگام می‌شد و از دانش خود مرا بهره‌مند می‌ساخت».^۲

بدین ترتیب، امیرالمؤمنین علیه السلام به دانش بی‌مانندی رسید که هر کس در هر موردی از ایشان سؤال می‌پرسید، ایشان بی‌درنگ و در کمال درستی پاسخ می‌داد.

سؤال در میدان جنگ

در چکاچک شمشیرها و نیزه‌ها و در لابه‌لای نعره‌ها و فریادهای رزم‌آوران جنگ جمل، مردی دچار شک و تردید شده بود: «خدایا، حق با کدامین طرف است؟ در یک سو علی، وصی پیامبر و امیرمؤمنان علیه السلام، سردار بزرگ اسلام و در سوی دیگر، برخی بستگان پیامبر و دوتن از صحابهٔ آن حضرت، یعنی «طلحه» - مرد خوش سابقهٔ اسلام - و «زبیر» - دلاور میادین نبرد - صف بسته‌اند. آیا می‌شود هر دو گروه برحق باشند یا هر دو باطل؟!... به راستی کدام یک برحق است؟»

سرانجام چارهٔ کار در این دید که جواب را از علی علیه السلام بازجوید.

۱- شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۲- شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۸۱ و امام‌شناسی، علامهٔ حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.

۳- المصنف فی الأحادیث و الآثار، ابوبکر بن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۳۶۶.

امام، معیاری در اختیار آن مرد قرار داد تا همواره جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی را بر اساس آن معیار ارزیابی کند و حق و باطل بودن آنها را به دست آورد. از این رو، به وی فرمود: «کار را واژگون کرده‌ای! می‌خواهی حق و باطل را به وسیله شخصیت‌ها بشناسی، درحالی‌که شخصیت‌ها هستند که باید با مقیاس حق، سنجیده شوند. ابتدا حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی؛ و نیز ابتدا باطل را بشناس تا بتوانی اهل آن را شناسایی کنی».^۱

بیشتر بدانیم

حل فوری یک مشکل

نقل کرده‌اند که سه نفر در تقسیم ۱۷ شتر اختلاف داشتند. اولی $\frac{1}{4}$ ، دومی $\frac{1}{3}$ و سومی $\frac{1}{9}$ شترها را مالک بودند. اما هرطور تقسیم می‌کردند که کسری نیاید، ممکن نبود. با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در میان گذاشتند. ایشان در همان موقع فرمود: «آیا مایلید که من یک شتر به شترهایتان اضافه کنم؟» گفتند: «آری، چرا مایل نباشیم؟»

پس امام، شتری بر شترها افزود و تعداد شترها به ۱۸ رسید. آن‌گاه ۹ شتر را که $\frac{1}{4}$ شترها بود به اولی داد. سپس ۶ شتر را که $\frac{1}{3}$ شترها می‌شد، سهم نفر دوم قرار داد. به نفر سوم هم که سهمش $\frac{1}{9}$ شترها بود، ۲ شتر داد؛ و یک شتر باقی‌مانده را خودش برداشت.^۲

۲- عدالت بی‌مانند

امام علی (علیه السلام) پس از ۲۵ سال خانه‌نشینی آن‌گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت، حجت را بر خود تمام دید به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) عدالت و مبارزه با تبعیض و نابرابری را سرلوحه کار خود قرار داد. آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش، به مسجد رفت و این‌گونه برای مردم سخنرانی کرد:

«... ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت‌المال و اموال عمومی برداشته‌اند و جیب خود را انباشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند... اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس، سهم همه مسلمانان را از بیت‌المال

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۲؛ دکتر طه حسین، ادیب و نویسنده معروف مصری در کتاب «علی و بنوه» درباره این سخن حضرت علی (علیه السلام) می‌گوید: «پس از آنکه که وحی خاموش شد و ندای آسمانی قطع شد، سخنی به این عظمت شنیده نشده است».
۲- قضاوت‌های حضرت علی (علیه السلام)، شوشتری، محمدتقی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.

به طور مساوی خواهم داد».^۱

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه‌های عمومی کشور از بیت‌المال، باقی‌مانده آن را میان مردم به طور مساوی تقسیم کرد. محرومان خوشحال شدند؛ اما عده‌ای که دوره‌های قبل دریافت‌های ویژه و کلان داشتند، اعتراض کردند.^۲

ایشان در سخنانی فرمودند: «سوگند به خدا، اگر همه دنیا را [با تمام وسعتش] به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو، از دهان موری خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد».^۳

امام از همان ابتدا به اصلاح امور اقدام کرد و در همان آغاز، فرمانروایانی همچون معاویه را که به ناحق به پست و مقام رسیده بودند و به شیوه پادشاهان و امپراطوران ستمگر حکومت می‌کردند، برکنار کرد و برای این کار چنان مصمم بود که حتی به مصلحت اندیشی برخی از یاران خویش نیز عمل نکرد.

برخی به آن حضرت گفتند: معاویه فردی دنیاطلب و قدرتمند است و برکناری او، سبب جنگ با شما می‌گردد. فرمود: «به خدا سوگند، حتی برای دو روز نیز او را به کار نخواهم گماشت و من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد».^۴

عدالت‌ورزی امیرالمؤمنین علیه السلام و توجهش به محرومان و فقیران و زندگی ساده‌اش اینان سرمشقی برای ما مسلمانان است و با اینکه نمی‌توانیم دقیقاً مانند ایشان عمل کنیم، اما می‌کوشیم خود را به این سرمشق نزدیک‌تر نماییم.

ایشان در این باره، ما را راهنمایی کرده است:

روزی خبردار شد فرماندارش در بصره در یک مهمانی شرکت کرده است که فقیران حضور نداشتند و غذاهای رنگارنگ چیده بودند. نامه‌ای تند به او نوشت و به کار وی اعتراض کرد و شیوه صحیح زندگی حاکم را توضیح داد. به او نوشت: «... من که امام شما هستم، از این جهان به دو جامه کهنه، بسنده کرده و از خوراکی‌ها به دو قرص نان. بدانید که شما نمی‌توانید این گونه زندگی کنید؛ لیکن مرا در پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری نمایید».^۵

۱- ادامه سخنانی چنین است: «عده‌ای در مقام اعتراض می‌گویند علی بن ابی‌طالب ما را از حَقمان محروم کرد! هر کس در گذشته از اصحاب رسول خدا بوده، یا به اسلام خدمتی کرده، پاداشش با خداست [این سوابق درخشان، سبب نخواهد شد که میان آنان و دیگر مسلمانان تبعیض قائل شویم و به آنها امتیاز بیشتر بدهیم]... هر کس امروز دعوت خدا و رسولش را بپذیرد و حقانیت ما را تصدیق کند و در دین ما داخل شود و به سوی قیله ما نماز بخواند، یک مسلمان است و با سایر مسلمانان برابر است. بیت‌المال هم که مال همه مسلمانان است، به طور مساوی بین همه تقسیم خواهد شد و از این لحاظ هیچ‌کس را بر دیگری امتیاز نیست. آری هر کس که متقی‌تر باشد، نزد خدا گرامی‌تر است و پرهیزکاران در قیامت بهترین پاداش را خواهند داشت؛ اما خدا دنیا را پاداش پرهیزکاران قرار نداده است. اجر و پاداش اخروی برای آنها بسی نیکوتر است... (شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۷؛ بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۷).

۲- یکی از معترضان می‌گفت: «چگونه همه ما را در یک مرتبه قرار داده و امتیازات را به کلی نادیده گرفته‌ای؟ به من و این مرد که تا مدتی پیش غلام من بود به یک اندازه از بیت‌المال داده‌ای، آیا این انصاف است؟».

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۴- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۶۴؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۹۵.

۵- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

وقتی یک نویسنده مسیحی عاشق امام علی علیه السلام می شود!

زندگی الهی و شخصیت زیبای امام علی علیه السلام، متفکران و دانشمندان بزرگی از سنتی و شیعه، مسلمان و غیرمسلمان را در طول تاریخ مجذوب خود ساخته است. یکی از این متفکران «جرج جرداق (۱۹۳۱-۲۰۱۵)»، نویسنده، شاعر و نمایشنامه‌نویس معاصر لبنانی است. وی که آیین مسیحی داشت، می‌گوید:

«در کودکی از مدرسه فرار می‌کردم و چون بچه کوهستان و علاقه‌مند به جنگل و آب بودم، در آنجا مشغول خواندن کتاب شعر می‌شدم. آن روزها حدود ۱۳ سال داشتم. برادر بزرگ‌ترم، به اطرافیانم توصیه کرد که مرا تحت فشار نگذارند و به آنها گفت استعداد وی در زمینه دیگری است و درس واقعی را او می‌خواند. برادرم که متوجه احساسات من شده بود، کتاب نهج البلاغه را در اختیارم گذاشت و گفت: این کتاب سرشار از زیبایی‌های ادبی است و می‌تواند در تقویت استعداد ادبی و شعری به تو کمک کند.

جرج وقتی مطالعه این کتاب را شروع می‌کند، دیگر نمی‌تواند آن را کنار بگذارد. چنان شیفته شخصیت امام علی علیه السلام می‌شود که بعدها پنج جلد کتاب درباره آن حضرت می‌نویسد. جلد اول آن «امام علی، صدای عدالت انسانی» نام دارد. وی در این کتاب می‌نویسد: «ای دنیا، چه می‌شد اگر همه توان خود را گرد می‌آوردی و در هر روزگار یک «علی» با آن قلب و زبان عنایت می‌کردی». جمله پشت جلد کتاب جرج جرداق مسیحی این بود:

O'Ali,

If I say you're superior to Jesus Christ, my religion cannot accept it!

If I say he's superior to you, my conscience won't accept it!

I don't say you're God!

...So, tell us yourself, o'Ali:

Who are you?!

«ای علی!

اگر بگویم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی‌پذیرد!

اگر بگویم او از تو بالاتر است، وجدانم نمی‌پذیرد!

نمی‌گویم تو خدا هستی...!

پس خودت به ما بگو ای علی:

تو کیستی؟!»

جرج جرداق بر سر در خانه خود نوشته بود: «لافتی الآ علی لاسیف الآ ذوالفقار».

منابع برای مطالعه بیشتر

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	مخاطب
۱	امام علی <small>علیه السلام</small> صدای عدالت انسانی	جرج جرداق	سید هادی خسروشاهی	بوستان کتاب	معلم / دانش آموز
۲	جاذبه و دافعه علی <small>علیه السلام</small>	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم / دانش آموز
۳	خلاصه زندگانی امیرالمومنین <small>علیه السلام</small>	سید جعفر شهیدی و سید هاشم رسول محلاتی	-	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم
۴	سیری در نهج البلاغه	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم / دانش آموز
۵	علی <small>علیه السلام</small> فراسوی ادیان (امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> در کلام اندیشمندان غیر مسلمان)	حمزه کریم خانی؛ سید محمد علی صمدانی،		نشر دانش حوزه	معلم / دانش آموز
۶	علی <small>علیه السلام</small> چهره درخشان اسلام	ابن ابی الحدید معتزلی	علی دوانی	بنیاد نهج البلاغه	معلم
۷	فروع ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امام علی <small>علیه السلام</small>	جعفر سبحانی		صحیفه خرد	معلم / دانش آموز
۸	فضائل علی <small>علیه السلام</small> از زبان غیر شیعه	محمد تقی صرفی		نشر برگزیده	معلم / دانش آموز
۹	نقش نگار: مروری بر زندگانی امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>	گردآورنده محمد محمدیان برگرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب (سید علی خامنه‌ای)		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم

